

تحلیل نمادشناسانه نگاره‌های نسخه
شاهنامه میرزا صالح باتکیه بر مفاهیم
«ملت ایران، خردمندی، عدالت و
پاکی» از دیدگاه پیرس / ۷-۹۱ / سیده
مریم میری - دکتر حسین اردلانی



به تخت نشستن لهراسپ،
مجلس ۲۴، مأخذ: نسخه
شاهنامه میرزا صالح.



تحلیل نمادشناسانه نگاره‌های نسخه شاهنامه میرزا صالح باتکیه بر مفاهیم «ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و پاکی» از دیدگاه پیرس

سیده مریم میری * دکتر حسین اردلانی **

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۷/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۹/۲۹

صفحه ۷۷ تا ۹۱

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

در فرهنگ کهن ایرانی، به فراخور اوضاع اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، همواره جمعی از هنرمندان نگارگر در راستای اعتلای ادبیات غنی این مرزوبوم، به شاهنامهنگاری و مصور کردن آن اهتمام ورزیده‌اند که با توجه به مضمون اسطورهای شاهنامه فردوسی و پیوند ناگسستنی آن با زبان نمادین، درک عالم لطیف و سرشار از رمز و راز نقاشیهای ایرانی نیازمند تأویل و رمزگشایی است. یکی از نمونه‌های برجسته در این زمینه، نسخه‌ای از شاهنامه بدون تاریخ کتابت، معروف به نسخه میرزا صالح است که در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود و در سال ۱۴۰۰ شمسی رونمایی شد. هدف اول پژوهش شناخت نمادهای تصویری مفاهیم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و پاکی چهار نگاره منتخب از شاهنامه میرزا صالح است. شناسایی پرتکرارترین مفهوم به تصویر کشیده شده از میان مفاهیم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و پاکی در شاهنامه میرزا صالح نیز هدف دوم تحقیق پیش رو است. از این‌رو سؤال‌های پژوهش حاضر عبارت‌اند از: ۱. چهار مفهوم اصلی ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و پاکی در میان نگاره‌های منتخب با چه نمادهایی و چگونه به شیوه مکتب اصفهان بازنمایی شده‌اند؟ ۲. کدام یک از مفاهیم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و پاکی بیش از همه در شاهنامه میرزا صالح به تصویر کشیده شده است؟ روش تحقیق این پژوهش، توصیفی-تحلیلی، از نوع کیفی است و شیوه گردآوری اطلاعات اسنادی همچنین با رویکرد نمادشناسانه پیرس است. نتایج این مطالعه نشان داد که چهار مفهوم موردنظر از طریق شخصیت‌های نمادین همچون سیاوش، موجودات موهوم اسطورهای همچون اژدها، عناصر نمادین مانند رنگ‌ها و ابزارهای اسطورهای -فراتر از معنای ظاهری- و در چارچوب قراردادهای فرهنگی ایران باستان مصور شده‌اند و بیشترین ارتباط معنایی را ایجاد کرده‌اند. همچنین، با توجه به بررسی ۴۳ نگاره نسخه میرزا صالح و تحلیل دقیق ۴ نگاره منتخب، می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم «ملیت ایرانی» پرتکرارترین و برجسته‌ترین مضمون به تصویر کشیده شده است، در حالی که مفاهیم «عدالت» و «پاکی» کمترین نگاره‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

واژگان کلیدی

شاهنامه میرزا صالح، ملیت، خردمندی، عدالت، پاکی، کاخ گلستان، نگارگری و مکتب اصفهان.

Email: m.miri.art@iauctb.ac.ir

* استادیار معلم گروه هنر، دانشکده هنر، مفتاح، تهران، ایران.

** دانشیار گروه فلسفه هنر، دانشکده هنر و معماری، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: h.ardalani@iauh.ac.ir

مقدمه

شاهنامه فردوسی با پیروی از پیشینه ادبی و فرهنگ کهن ایرانی به هنرمندانه‌ترین شکل ممکن مفاهیم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و دین ورزی را به زبان نمادین در سه بخش اسطوره، حماسه و تاریخ روایت می‌کند. نمادهایی که شناخت بستر، نحوه آفرینش و پیدایش آن‌ها، جهان‌بینی گذشتگان از عالم پیرامونی و نحوه عبور ایشان از جهان محسوس و ورود به عالم باطن را آشکار می‌سازد. آشنایی فردوسی با سنت نگارگری ایرانی همچنین ظرفیت غنی و بالقوه این خردنامه ارزنده ادب فارسی سبب شد بارها در دوره‌های مختلف همچون سده یازدهم به فراخور شرایط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی همواره تصویرگری هنرمندان در خدمت احیا ادبیات کهن و تصویرگری شاهنامه باشد. گرچه در این سده به دلیل مراودات چندجانبه ایران با اروپا، نقاشی دوران جدیدی را تجربه کرد، اما با انتقال پایتخت از قزوین به اصفهان در زمان شاه‌عباس اول و عزیمت هنرمندان به این شهر، فرصت و امکان ارائه آثار هنری جدید همچون شاهنامه‌نگاری در مکتب اصفهان ملو از ابداعات و ابتکارات وسیع فراهم گشت و نقاش و نگارگر را به چکیده‌نگاری و گزینه پردازی واداشت.

از نمونه‌های مکتب اصفهان با شاخصه‌هایی همچون زیبایی و لطافت نگاره‌ها، ساخت‌وساز، لباس، دستار و صورت‌سازهای شاهنامه موجود در کاخ گلستان است که امامی، مدیر وقت کاخ‌موزه گلستان، با تشخیص رقم میرزا صالح خوشنویس و بررسی طرح و سبک ۴۳ مجلس مینیاتورهایش، آن را متعلق به اواخر دوره صفوی می‌داند. اگرچه این نسخه فاقد تاریخ کتابت با تشخیص رقم میرزا صالح خوشنویس و بررسی سبک نگاره‌ها، در عصر صفویه، سده ۱۱، نوشته و مجلس‌آرایی شده اما سال ۱۳۲۹ قمری به مهر کتابخانه دولت علیه ایران قاجار مجدد مجلد و صحافی شده است.

با توجه به تجلی مبانی فکری گوناگون از جمله یزدان‌پرستی، ارجمندی خرد، والایی علمی، مهرورزی و غیره در شاهنامه جاودان فردوسی، این اثر سرشار از حکمت و عبرت، کوشش شده در این پژوهش به‌رغم قابل‌طرح بودن سایر محورها تنها به چهار مورد از مفاهیم این سند ارزشمند فرهنگ و تمدن ایران که بیشترین ارتباط موضوعی و محوری را با نگاره‌های مصور شاهنامه میرزا صالح دارند بپردازد. از این رو مفاهیم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و پاکی بر اساس بررسی استقرایی نگارنده در خود شاهنامه فردوسی و استنتاج از سایر پژوهش‌های انجام‌شده که به اهم آن‌ها در پیشینه تحقیق اشاره گردیده، انتخاب شده‌اند. چنین به نظر می‌رسد که فردوسی در شاهنامه، نشانه‌هایی برای معرفی شخصیت‌ها در نظر گرفته و پیرو آن نگارگران در تصویرگری‌های خود از آن نشانه‌ها بهره جسته‌اند. طبقه‌بندی شناخته‌شده چارلز ساندروز پیرس،

بنیان‌گذار نشانه‌شناسی و فیلسوف پراگماتیسم آمریکایی می‌تواند در درک کارکرد تصویر به‌عنوان نشانه، سودمند باشد. از دیدگاه او تاروپود همه اندیشه‌ها و تحقیقات نشانه است. پیرس نشانه‌ها را به سه دسته معروف نماد (رابطه قراردادی)، شمایل (بر پایه مشابَهت)، نمایه (رابطه علی و معلولی) تقسیم و به فرایند تولید و تفسیر آن‌ها توجه دارد. با محور اصلی نماد شکافی، سعی بر آن است که چگونگی بازنمایی چهار مفهوم اصلی خردمندی، عدالت، ملیت ایرانی و پاکی در شاهنامه میرزا صالح، با توجه به آرا و نظرات پیرس مورد مطالعه و تحلیل قرار گیرد.

هدف اول پژوهش شناخت نمادهای تصویری مفاهیم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و پاکی چهار نگاره منتخب از شاهنامه میرزا صالح است. شناسایی پرتکرارترین مفهوم به تصویر کشیده شده از میان مفاهیم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و پاکی در شاهنامه میرزا صالح نیز هدف دوم تحقیق پیش رو است.

سؤالاتی تحقیق حاضر عبارت‌اند از: ۱. مفاهیم ملیت، خردمندی، عدالت و پاکی در قالب چه تصاویر یا نمادهایی در شاهنامه میرزا صالح بازنمایی شدند؟ ۲. کدامیک از مفاهیم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و دین ورزی بیش از همه در شاهنامه میرزا صالح به تصویر کشیده شده است؟ هم‌نشینی پیوسته نقاشی ایرانی با فرهنگ‌ها و سنت‌های بیگانه شرقی و غربی در ادوار گوناگون تاریخی که منجر به تأثیرپذیری ضمنی و عینی آن شده، **اهمیت و ضرورت** تحقیق را دوچندان می‌کند. به همین دلیل می‌توان اذعان داشت که با توجه به اهمیت شناخت فرهنگ گذشتگان، بررسی میزان تأثیر هنر سایر ممالک و فقدان منابع مستدل، همواره توجه به نسخ فرهنگی -هنری ناشناخته‌ای همچون میرزا صالح می‌تواند گره‌گشا باشد. چراکه شاهنامه فردوسی را در دوره‌ای خاص با زیبایی و لطافت، اقتباس‌های سنجیده و ابداعات نو بازنمایی کرده و تحلیل آن می‌تواند بالقوه، بستر را برای واکاوی و تأویل نمادهای آشکار و مستتر، همچنین دریافت محتوای رمزی محیا سازد. همچنین کنکاش و یافتن نمادهای تصویری هم‌راستا با گفتمان غنی، ملی و فرهنگی فردوسی در نسخه شاهنامه میرزا صالح، می‌تواند به تبیین هرچه بیشتر مفاهیم خفی در پیشینه تمدن ایرانی اسلامی کمک شایانی بکند.

روش تحقیق

تحقیق بنیادی پیش‌رو در جستجوی کشف حقایق و واقعیت با هدف گسترش دانش، توصیفی - تحلیلی بوده و اطلاعات به روش اسنادی گردآوری شده است. دامنه جامعه آماری این پژوهش مجموع ۴۳ نگاره نسخه شاهنامه میرزا صالح است که بر اساس شاخصه‌های مرتبط همچون عناوین و مضامین مجالس مصور به روش کیفی بررسی و در مواردی

شاهنامه طهماسبی به عنوان نماد فرهنگ قومیت و ملیت پرداختند و آن‌ها را در سه دسته گیاهی، حیوانی و نوشتاری تقسیم کردند. بر اساس نتایج این پژوهش، همه نمادها با مفاهیم اعتقادی شیعی دوره صفوی و همچنین با متن‌های موجود در شاهنامه همخوانی دارند (کاظم‌پور و ایلخچی، ۱۴۰۰: ۹۱-۱۰۸ شماره پنجاه‌ونه). خسروی و موسوی (۱۳۸۷) در مقاله «خردورزی و دینداری اساس هویت ایرانی در شاهنامه» فصلنامه علمی و پژوهشی کاوش‌نامه، ادعان دارند فردوسی در شاهنامه، خردورزی و دینداری را اساس و بنیاد هویت و فرهنگ ایرانی می‌داند (خسروی و موسوی، ۱۳۸۷: ۱۲۸-۹۹ شماره شانزده). مجلسی و همکاران (۱۳۹۷) در پایان‌نامه خود با عنوان «تحلیل نشانه‌شناسانه طراحی شخصیت در شاهنامه با تمرکز بر نگاره‌های رزم رستم و سهراب به روش پیرس» و به راهنمایی نادیا معقولی، در مؤسسه آموزش عالی طبری بابل، با استفاده از روش نشانه‌شناسانه پیرس به توصیف و تحلیل نگاره‌ها و متن شاهنامه پرداخته‌اند. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که نگارگران برای طراحی رستم و سهراب و شناساندن آن‌ها، از نشانه‌های نمادین بر اساس روابط قراردادی بیشتر از نشانه‌های شمالی بر پایه روابط همانندی و نشانه‌های نمایه‌ای با روابط علی و معلولی بهره برده‌اند. با توجه به پیشینه تحقیق مورداشاره می‌توان ادعان داشت در مقاله پیش‌رو افزون بر معرفی مجالس مصور، تحلیل مضمونی و بصری تمام نگاره‌های نسخه شاهنامه منسوب به میرزا صالح و نمادشناسی چهار مفهوم ملیت ایرانی، خردورزی، عدالت و پاکی در نگاره‌ها از جمله نوآوری‌های پژوهش به شمار می‌آیند.

روش نشانه‌شناسی در تأویل نگاره‌های نسخه شاهنامه میرزا صالح

برای شناخت و فهم آثار نقاشی ایرانی، به ویژه قرن‌های نهم تا یازدهم توجه به دو شاخصه مهم گفت‌وگو (نگرش و جهان‌بینی) و ویژگی‌های ساختاری و مضمونی از جمله پیوند ناگسستنی نقاشی با ادبیات فارسی بسیار حائز اهمیت است (جوانی، ۱۳۹۰: ۱۰). بنابراین، شناخت ادبیات فردوسی که اثر حماسی خود را با مضمونی اساطیری و نمادین روایت می‌کند، پیش‌درآمد فهم تصاویر شاهنامه و کلید شناخت فرهنگ و تمدن ایران خواهد بود (پرنیان و بهمنی، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۹۱). بنا به گفته شمیلی گرچه در فرهنگ‌های گوناگون تصاویر معنا و تفاسیر متفاوت دارند، اما به‌طور کلی تصاویر قبل از خوانش فیزیکی امری ذهنی محسوب شده و از دهه ۱۹۵۰ با کمک رویکرد نشانه‌شناسی به عنوان روش پژوهشی برای شناسایی دلالت‌های ادراک ساز می‌توان قاعده‌های مرتبط با آن را کشف کرد. چراکه در حقیقت شناخت علائم و تفسیرشان موضوع علم نشانه‌شناسی را تشکیل می‌دهد (شمیلی، ۱۳۸۶: ۹۳-۱۲۰).

برای نشان دادن نحوه توزیع از روش کمی بهره گرفته شده است. با وجود در دسترس بودن مجموع ۴۳ نگاره به دلیل محدودیت ساختار مقاله سعی شد برای هر مفهوم تنها یک نگاره انتخاب شود که افزون بر داشتن ساختار بصری غنی، از لحاظ شاخصه‌هایی همچون عنوان، مضمون و نمادهای بصری حائز ارتباط حداکثری با هر کدام از مفاهیم موردپژوهش باشند و در درک بهتر محتوای جداول و تحلیل‌ها مفید فایده واقع گردند. همچنین، ۴ نگاره مرتبط با هدف اصلی پژوهش شامل مفاهیم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و پاکی، بر اساس بررسی استقرایی نگارندگان در شاهنامه فردوسی و استنتاج از سایر پژوهش‌های انجام گرفته که به اهم آن‌ها در پیشینه تحقیق اشاره شده، به روش غیر احتمالی شناسایی و با رویکرد نشانه‌شناسانه پیرس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند.

پیشینه تحقیق

اگرچه شاهنامه فردوسی و نسخ تصویری مرتبط با آن، بارها از زوایای گوناگون مورد تحقیق و پژوهش قرار گرفته‌اند، اما با توجه به منابع در دسترس پژوهشگر، مشخصاً کتاب، پایان‌نامه یا ترجمه‌ای که مستقلاً و منسجم به تحلیل نشانه‌های نمادین مرتبط با چهار مفهوم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و پاکی همچنین شیوه‌های نمادپردازی تصویری مجالس نسخه شاهنامه میرزا صالح بپردازد، دیده نشده و مسئله هنوز بر قوت خود باقی است. آنچه تاکنون یافت شده به شرح زیر است:

علی‌پور و شیخ‌زاده (۱۳۹۵) در مقاله «نمادشناسی نگاره رستم خفته و نبرد رخس و شیر از منظر خرد و اسطوره» در دو فصلنامه دانشکده هنر شوشتر، در یافته‌های تحقیق مقاله ادعان دارند که در داستان نگاره، کنار نیرومندی و توان جسمی پهلوان، خردمندی او نیز با نمادپردازی عناصر گوناگون سنجیده و به تصویر کشیده شده است (علی‌پور و شیخ‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۵-۵، شماره دهم). فاطمی مقدم‌سقی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت ملی جغرافیایی و فرهنگی در شاهنامه فردوسی با رویکرد به شخصیت رستم» منتشر شده در فصلنامه جستارنامه ادبیات تطبیقی، مؤلفه‌های هویت ملی، جغرافیایی و فرهنگی که فردوسی از طریق به‌کارگیری شخصیت رستم در شاهنامه به مخاطبان خود انتقال داده را بررسی کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رستم به عنوان مهم‌ترین شخصیت شاهنامه در پیشبرد اهداف ملی‌گرایانه فردوسی و ایجاد نوعی هویت خواهی ایرانی بسیار موثر بوده است (فاطمی مقدم‌سقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۴-۵۰، شماره نهم). کاظم‌پور و ایلخچی در مقاله نشریه نگره با عنوان «مطالعه نقشمایه درفش‌های موجود در شاهنامه شاه طهماسبی بر مبنای ابزارهای تحلیلی رویکرد نشانه‌شناسی» با رویکرد نمادشناسی به مطالعه نقشمایه درفش‌های نگاره‌های

مرتبط با چهار مفهوم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و دین‌ورزی را که مخاطب در مواجه با چهار نگاره انتخابی از شاهنامه میرزا صالح دریافت می‌کند، شناسایی و تحلیل کند.

شاخصه‌های مکتب اصفهان همراه با معرفی و تحلیل نسخه شاهنامه میرزا صالح

شاهنامه فردوسی، برجسته‌ترین اثر حماسی فارسی و تلاش ستودنی فردوسی برای حفظ سنت‌های کهن و بازآفرینی هویت ملی است که هنرمند نگارگری دوره‌های متأخرتر در میان فراز و نشیب‌ها و تحولات سیاسی ایران همواره کوشیده است تا با تصویرگری تمامیت خود را برای زنده نگاه داشتن آرمان‌ها و فرهنگ ایرانی و اسلامی به نمایش بگذارد. بنا به گفته جوانی با توجه به گرایش جدی به تصوف از عصر تیموریان تا اواسط صفویه و اثرگذاری آن بر تمام عرصه‌ها، به‌ویژه فرهنگ و ادبیات، پیوند نزدیک نقاشی با ادبیات در دوران ایران اسلامی همچنین تأثیر محیط و شرایط زمانی بر فضای آثار پیشرو، نگارگران عموماً عالمی متفاوت از عالم محسوس و معقول را به تصویر می‌کشیدند (جوانی، ۱۳۹۰: ۲۰). به عبارت دیگر، گویا هنرمندان در عین توجه به آفرینش زیبایی‌های این جهان برای درک حقایق ازلی به عالم ملکوت هم توجه داشته‌اند (عصایی، ۱۳۹۰: ۹). بر همین اساس، نگارگران همواره سعی می‌کردند فارغ از نسخه‌برداری طبیعت و واقعیت به تصویرگری باطن و حقیقت نیز بپردازند (جوانی، ۱۳۹۰: ۱۲). بنا بر نتایج سایر تحقیقات، نگارگری در خود چندلایه مفهومی به‌هم‌پیوسته را گنجانده است (نظری، ۱۳۹۰: ۱۶۳) که برقراری ارتباط و فهم آن را منوط به درک زبان این هنر به‌واسطه نظام‌های نشانه‌ای، زیباشناسی و غیره می‌سازد (نظری، ۱۳۹۰: ۱۴). گرچه دامنه حدود یک سده مکتب اصفهان در دوره ۲۵۰ ساله صفویه در مقایسه با دوره ۵۰ ساله مکتب تبریز و یا نیم سده مکتب قزوین بسیار قابل‌توجه و تعمق تر خواهد بود (آژند، ۱۳۸۵: ۳۵۱)؛ اما می‌توان اذعان کرد هنرمندان مکتب اصفهان از یک‌طرف سنت نگارگری سده‌های پیشین را به دوش می‌کشند و از سوی دیگر با افکار و سبک‌های جدید روبرو هستند و طوری این‌ها را با هم می‌آمیزند که نه نقص تکنیک مشخص باشد و نه خدشه‌ای بر موارث وارد شود (همان، ۱۳۵۵). از آنجاکه نگارگران نسخه میرزا صالح نامعلوم بوده و هیچ‌کدام از نگاره‌ها رقم ندارد دسته‌بندی و تفکیک شاخصه‌ها کمی دشوار است. بنابراین، ابتدا به صورت کلی و اجمالی شاهنامه معرفی و در ادامه چهار نگاره اصلی و مرتبط با پژوهش پیش‌رو مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

این شاهنامه به نام کاتب که میرزا صالح نام دارد شناخته‌شده و در کاخ‌موزه گلستان به شماره ۲۲۵۰ نگهداری می‌شود. این نسخه تاریخ کتابت نداشته و

درواقع از دیدگاه نزاکتی و درخشه محققان تلاش می‌کنند به کمک روش نشانه‌شناسی با مطالعه و تاویل نظام‌های نشانه‌ای (زبان رمزگان) بن و اساس شکل‌دهنده نشانه‌ها و قوانین حاکم بر آن‌ها را کشف و پیچیدگی‌ها و معانی مستتر در متن را دریابند. بنابراین می‌توان ادعا کرد نشانه‌شناسی برای تحلیل و بازخوانی هر نظام نشانه‌ای که حاوی معانی فرهنگی باشد مفید و گره‌گشا خواهد بود. فردینان دوسوسور با ارائه الگوی دو وجهی شامل دال (تصویر یا صوت) و مدلول (مفهومی) که دال به آن دلالت می‌کند، در حقیقت کلیتی از نشانه ارائه می‌دهد که ناشی از پیوند دال و مدلول و رابطه بین آن دو (دلالت) است (نزاکتی و درخشه، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۱۸۵)؛ اما به نظر سجودی طبقه‌بندی شناخته‌شده چارلز ساندرز پیرس یکی از انواعی است که می‌تواند در درک کارکرد تصویر به‌عنوان نشانه، سودمند باشد. پیرس نشانه‌ها را به سه دسته معروف نماد (رابطه قراردادی)، شمایل (بر پایه مشابَهت)، نمایه (رابطه علی و معلولی) تقسیم و به فرایند تولید و تفسیر آن‌ها توجه دارد (سجودی، ۱۳۹۷: ۲۵). مجلسی اذعان داشته در نشانه‌های نمادین (پرچم هر کشور) رابطه دال و مدلول قراردادی، در شمایی یا تصویری رابطه بر پایه شباهت (شباهت عکس با صاحبش) و در نمایه‌ای (نشانه‌های طبیعی مثل دود نمایه آتش) رابطه دال و مدلول علی و معلولی است. البته باید توجه داشت نمی‌توان مرز جداکننده‌ای بین این سه دسته‌بندی قائل شد چراکه یک نشانه می‌تواند ترکیبی از هر سه باشد، به‌عنوان مثال، علائم راهنمایی رانندگی که هم شمایل است هم نماد (مجلسی، ۱۳۹۷: ۳۵).

بنابراین با توجه به‌غایت نگارگری و ماهیت شاهنامه، آشنایی با نظام معنایی، تحلیل و تفسیر نشانه‌های موجود در این شاهکار هنری را با مضامین اساطیری و نمادین بسیار تسهیل خواهد کرد. همچنین با توجه به توضیحات ارائه‌شده می‌توان گفت نشانه‌شناسی با پرده‌برداری از رموز پنهان نگاره‌های شاهنامه، نقش کلیدی در فهم و دریافت حقیقت متن خواهد داشت، زیرا شناخت رمزگان مورد استفاده در نگاره‌ها بر نحوه دیدن و خواندن نشانه‌ها اثرگذار بوده و هرچقدر تحلیل‌گر با رمزگان بیشتری آشنا باشد، نشانه‌های بیشتری را شناسایی و رمزگشایی خواهد کرد. حتی اگر در طول تاریخ کهن ایران و دوره‌های مختلف برخی نمادها و نشانه‌ها افزون بر مفاهیم ذاتی به‌واسطه برخورد با دوره‌های مختلف معانی جدیدی به خود گرفته باشند. به‌طور مثال، از آنجاکه هریک از ابزار رزمی که فردوسی در شاهنامه نام می‌برد می‌تواند به‌عنوان نمود یا دال در شناسایی شخصیت‌ها دلالت کند (غالباً نگارگران رستم را با کلاه خودی با شمایل سر دیو سفید تصویر می‌کنند). از این‌رو، مقاله پیش‌رو قصد دارد نشانه‌های نمادین



و تورانیان، مجلس پانزدهم نبرد رستم و کاووس، مجلس شانزدهم گرفتار شدن خاقان چین به دست رستم، مجلس هفدهم نبرد رستم و اکوان دیو، مجلس هجدهم نبرد فرامرز با برزو، مجلس نوزدهم نبرد رستم با برزو، مجلس بیستم نبرد بیژن و هومان، مجلس بیست و یکم نبرد ایرانیان و تورانیان، مجلس بیست و دوم نفوذ ایرانیان به گنگ دژ، مجلس بیست و سوم اسیر شدن افراسیاب و گرسیوز، مجلس بیست و چهارم به تخت نشستن لهراسپ، مجلس بیست و پنجم ادامه به تخت نشستن لهراسپ، مجلس بیست و ششم نبرد اسفندیار با بیدرفش، مجلس بیست و هفتم کشته شدن اژدها به دست اسفندیار، مجلس بیست و هشتم کشته شدن اسفندیار به دست رستم، مجلس بیست و نهم کشته شدن رستم به حيله شغاد، مجلس سیام نبرد ایرانیان و رومیان - مجلس سی و یکم نبرد چهارم دارا و اسکندر - مجلس سی و دوم به تخت نشستن اسکندر - مجلس سی و سوم رفتن اسکندر به طلب آب حیات - مجلس سی و چهارم وفات اسکندر - مجلس سی و پنجم نبرد شاپور و قیصر دوم - مجلس سی و ششم کشته شدن شیرها به دست بهرام - مجلس سی و هفتم کشتن بهرام گور اژدها را - مجلس سی و هشتم کشتن مزدکیان به دستور کسری -

۴۳ مجلس را در ۱۲۲۱ صفحه به تصویر کشیده است. ساخت و ساز تصویر جلد این کتاب به شیوه قاجار بوده و در پشت جلد آن، مجلس رزمی تصویر شده است. از تفاوت بین مجالس کتاب و مجالس جلد چنین برداشت می شود که کتاب در عهد صفویه، در اصفهان نوشته و مجلس آرای شده و در زمان قاجار مجدداً جلد و صحافی گردیده است. در صفحه اول دو دست خط قابل تشخیص است که شبیه به خط میرزا صالح است (شریف زاده، ۱۳۷: ۶۱). مجالس تصویر شده به این شرح هستند: مجلس اول کشته شدن دیوان به دست هوشنگ و به خونخواهی پدر، مجلس دوم نبرد منوچهر با کاکوی، مجلس سوم زال و رودابه، مجلس چهارم کشته شدن فیل سفید به دست رستم، مجلس پنجم گرفتن رستم رخس را، مجلس ششم کشته شدن دیو سفید به دست رستم، مجلس هفتم پرواز به آسمان رفتن کاووس، مجلس هشتم کشته شدن سهراب به دست رستم، مجلس نهم گذشتن سیاوش از آتش، مجلس دهم چوگان بازی سیاوش در مقابل افراسیاب، مجلس یازدهم کشته شدن سیاوش به دست کروی زره، مجلس دوازدهم گذشتن خسرو و فرنگیس و گیو از آب، مجلس سیزدهم کشته شدن فرود به دست بیژن، مجلس چهاردهم نبرد ایرانیان

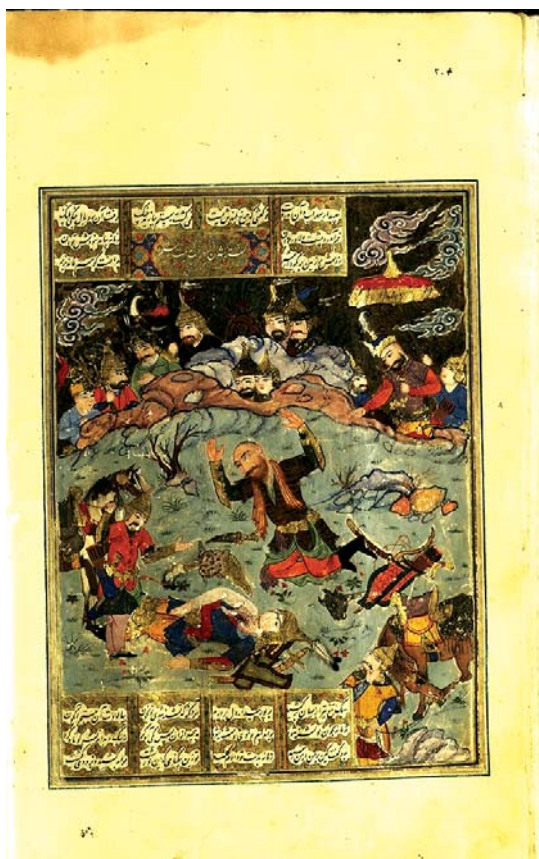
جدول ۱. دسته بندی نگاره ها از نظر مضمون با توجه با عناوین مجالس، مأخذ: نگارندگان.

مضامین مجالس مصور نسخه شاهنامه میرزا صالح					
مضامین متفرقه			مضامین نبرد		
مضمون عناوین مرتبط با نبرد	شماره مجلس	فراوانی	مضمون عناوین مجالس	شماره مجلس	فراوانی
نبرد قهرمان با دیوان	۱۴، ۱۷	۳	بزم	۳	۱
نبرد تن به تن	۲، ۸، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۶، ۲۸، ۲۹، ۴۳	۱۳	تخت نشستن شاهان	۲۴، ۲۵، ۳۲	۳
نبرد دو سپاه	۱۴، ۲۱، ۲۲، ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۳۹، ۴۰،	۸	زندگی و مرگ قهرمانان، شاهنامه، بارگاه شاهان، حوادث مهم	۷، ۸، ۱۲، ۲۳، ۳۴، ۳۸، ۴۲،	۷
نبرد با حیوانات	۵، ۲۷، ۳۶، ۳۷، ۴۱	۵	بازی	۱۰	۱

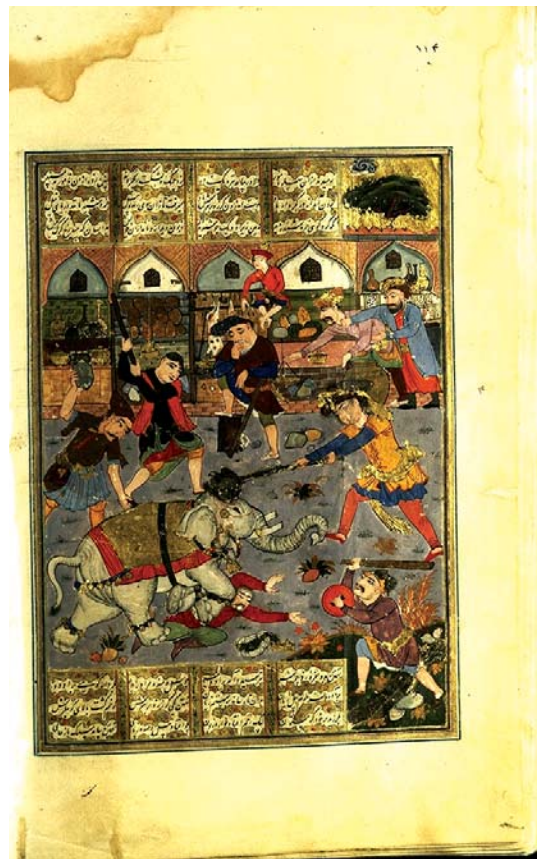
تحلیل نمادشناسانه نگاره‌های نسخه شاهنامه میرزا صالح باتکیه بر مفاهیم «ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و پاک‌ی» از دیدگاه پیرس/۷۱-۹۱/سیده مریم میری-دکتر حسین اردلانی

جدول ۲. نگاره‌هایی که به شیوه مکتب اصفهان مصور شده‌اند، مأخذ: همان

شماره مجلس مصور	عنوان مجلس مصور	جزئیاتی از نگاره‌های شاهنامه نسخه میرزا صالح	مصادیق تصویرسازی به شیوه مکتب اصفهان
مجلس اول	کشته شدن دیوان به دست هوشنگ و به خونخواهی پدر	 صورت‌سازی‌ها، کلاه افراد، قلم‌گیری پارچه و لباس‌های نگاره	 مأخذ: (جوانی، ۱۳۹۰: ۲۳۷)
مجلس سوم	زال و رودابه	 صورت‌سازی و دستار زال، کلاه، مو و صورت رودابه	 مأخذ: (همان، ۲۷۵)
مجلس چهارم	کشته شدن فیل سفید به دست رستم	 کلاه، دستار، شال و لباس رستم	 مأخذ: (همان، ۲۳۶)
مجلس هشتم	کشته شدن سهراب به دست رستم	 صورت‌سازی نگاره	 مأخذ: (همان، ۲۷۵)
مجلس یازدهم	کشته شدن سیاوش به دست کروی زره	 لباس‌ها، کلاه، دستار و قلم‌گیری نگاره	 مأخذ: (همان، ۲۱۵)



تصویر ۲. مجلس هشتم، کشته شدن سهراب به دست رستم، مأخذ: همان.



تصویر ۱. مجلس چهارم، کشته شدن فیل سفید به دست رستم، مأخذ: نسخه شاهنامه میرزا صالح

نظام معنایی می‌تواند تحلیل و تفسیر نشانه‌های موجود در این شاهکار هنری با مضمون اساطیری و نمادین را تسهیل کند. از این رو، شناخت علائم و تفسیر آن‌ها به کمک علم نشانه‌شناسی که به مطالعه و تاویل زبان رمزگان می‌پردازد، قوانین حاکم را کشف و در پی آن پیچیدگی‌ها و معانی مستتر را آشکار می‌سازد. اگرچه پیرس نشانه‌ها را به سه دسته معروف نماد (رابطه علی قراردادی)، شمایل (بر پایه مشابَهت)، نمایه (رابطه علی و معلولی) تقسیم و به فرایند تولید و تفسیر آن‌ها توجه دارد، اما باید توجه داشت نمی‌توان مرز جداکننده‌ای بین این سه دسته‌بندی قائل شد چراکه یک نشانه می‌تواند ترکیبی از هر سه باشد. بنابراین، با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت نشانه‌شناسی با پرده‌برداری از رموز پنهان نگاره‌های شاهنامه نقش کلیدی در فهم و دریافت حقیقت متن خواهد داشت؛ زیرا شناخت رمزگان مورد استفاده در نگاره‌ها بر نحوه دیدن و خواندن نشانه‌ها اثرگذار بوده و هرچقدر تحلیل‌گر با رمزگان بیشتری آشنا باشد، نشانه‌های بیشتری را شناسایی و رمزگشایی خواهد کرد. از آنجاکه در طول تاریخ کهن

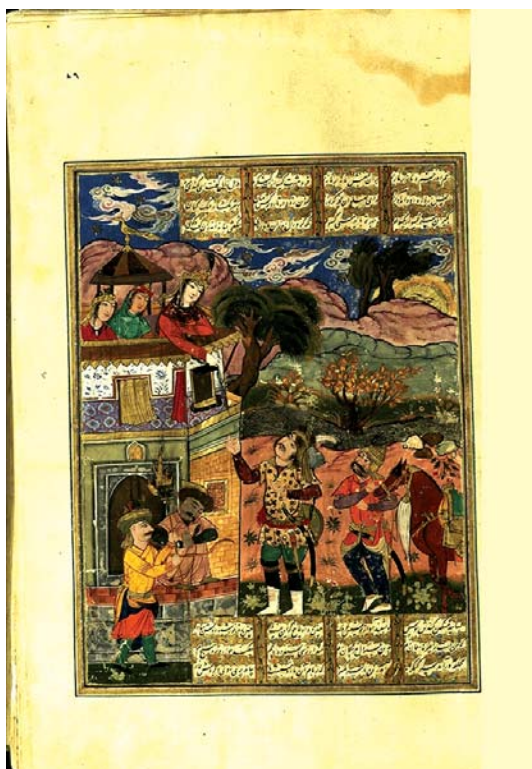
مجلس سی و نهم نبرد بهرام چوبین با ساوه شاه-مجلس چهل شیبخون زدن بهرام به سپاه خسرو- مجلس چهل و یکم کشته شدن اژدها به دست بهرام- مجلس چهل و دوم کشته شدن خسرو- مجلس چهل و سوم جنگ سرد بارستم.

تصاویر عمدتاً مضامین جنگ همچون نبرد با دیوان، نبرد دو نفر، نبرد دو سپاه و جنگ با حیوانات را به تصویر می‌کشند. بعضی نگاره‌ها نیز با مضامین متفرقه شامل مجالس بزم، بازی، تخت نشستن شاهان، بارگاه شاهان، زندگی و مرگ پهلوانان شاهنامه تصویرسازی شده‌اند. اغلب در نگاره‌ها، فضاهای بیرونی (طبیعت و بیرون عمارت) و در تعداد اندکی نگاره هم‌زمانی بیرون و درون عمارت و تنها در یک نگاره فضای درون عمارت تصویرسازی شده است. در تعدادی از نگاره‌ها نیز به‌وضوح صورت‌سازی، قلم‌گیری پارچه و لباس‌ها، ساخت و ساز دستار و شال به شیوه مکتب اصفهان مشهود است.

تحلیل نمادهای تصویری مجالس ۹، ۱۶، ۲۴ و ۲۷ با توجه به‌غایت نگارگری و ماهیت شاهنامه، آشنایی با



تصویر ۴. مجلس اول، کشته شدن دیوان به دست هوشنگ و به خونخواهی پدر، مأخذ: همان.



تصویر ۳. مجلس سوم، زال و رودابه، مأخذ: همان.

فردوسی، محوری‌ترین شخصیت و ابر پهلوان به شمار می‌آید. شاخصه‌های هویت خواهی با تکیه بر ویژگی‌های معنوی و جسمانی رستم، نظارت و مراقبتش از تمامیت ارضی ایران در برابر تورانیان، بخش اصلی آرای هویت‌ساز و ملیت ایرانی فردوسی را به خود اختصاص می‌دهد (فاطمی مقدم سقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۴-۵۰). به کمک به ویژگی‌های شخصیتی و تحلیل نام اشخاص می‌توان جنبه‌های نمادین شخصیت را بازشناخت چراکه در تفکر اساطیری بین نام شخصیت و منش و پیوند جدانپذیر وجود دارد (اسلامی، ۱۳۹۹: ۴۷). در ادبیات پهلوی رستم به معنای زورمند در تمام عمر در زابلستان زندگی کرد و هنگام تنگناها به یار ایرانیان می‌آمد و شهریاران را از خطر می‌رهاند (هینلز، ۱۴۰۱: ۱۲۲). درواقع می‌توان جنگ‌های رستم با دشمنان بیرونی را پاسداری از نام و اقوام ایرانی و نماد تلاش برای حفظ وحدت و یکپارچگی، همچنین بازیابی هویت پایمال‌شده و نبردهای هویت طلبانه برشمرد، چراکه مفهوم ملت از زیرمجموعه‌های هویت به شمار آمده و هویت بازتولید ارزش‌ها، سنت‌ها و الگوهای کهن ملت‌ها خواهد بود (فاطمی مقدم سقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۴-۵۰). درواقع رستم صاحب فره پهلوانی نماد قدرت ملی در نبرد با بیگانگان و

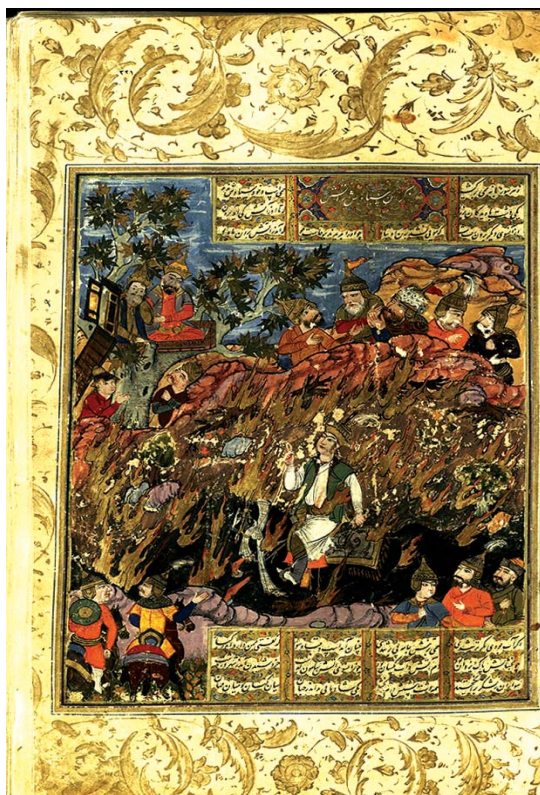
ایران و دوره‌های مختلف برخی نمادها و نشانه‌ها علاوه بر مفاهیم ذاتی، به واسطه برخورد با دوره‌های مختلف، معانی جدیدی به خود گرفته‌اند، در این بخش سعی بر آن شده که با توجه به مجال محدود مقاله تنها با محور اصلی نماد شکافی، به شناسایی و تفسیر برخی نشانه‌های نمادین و همچنین، مطالعه چگونگی بازنمایی چهار مفهوم اصلی خردمندی، عدالت، ملیت ایرانی و پاکی در چهار مجلس ۹، ۱۶، ۲۴ و ۲۷ در شاهنامه نسخه میرزا صالح پرداخته شود.

شناسایی و تحلیل نمادهای تصویری مفهوم ملیت ایرانی در نگاره گرفتار شدن خاقان چین به دست رستم (مجلس ۱۶)

در نگاره گرفتار شدن خاقان چین به دست رستم (تصویر ۱) مفهوم ملیت ایرانی به واسطه تصویرگری رستم، لباس ببر بیان، فیل و گرز گاو سر تجلی بصری یافته است.

رستم

در شاهنامه شخصیت‌های نمادین در قالب پهلوان پادشاه یا قهرمان به تصویر کشیده شده و رستم در شاهنامه



تصویر ۶. گذشتن سیاوش از آتش، مجلس ۹، مأخذ: همان.



تصویر ۵. نگاره گرفتار شدن خاقان چین به دست رستم، مجلس ۱۶، مأخذ: همان.

از آنجا که فیل سفید نماینده غرور است (شجاعی، ۱۳۹۹: ۲۶۶) از این رو، فیل از آفریده‌های اهریمنی به شمار آمده که سرنگون شدن خاقان چین از آن توسط رستم نمادی از حمیت و ملیت ایرانی است (پرنیان و بهمنی، ۱۳۹۱: ۹۱-۱۱۰).

گرز گاو سر

گرز گاو سر از جمله نمادهای ابزارهای نبرد از چوب یا آهن بوده که در نبرد کیهانی فریدون و ضحاک به کار رفته و تبدیل به یکی از مهم‌ترین آلات جنگ با دشمنان اهریمنی شده است (اسلامی، ۱۳۹۹: ۸۲). گرز گاو سر یا گرز نیای یا گرز سام از سلاح‌های جنگی با سر یک گاو از دیگر جلوه‌های مادی فره پهلوانی از شاخص‌ترین نمادهای رستم بوده که می‌توان به قدرت و زورمندی، چالاکي و مهارت او در استفاده از شمشیر، تیر و کمند و از دیگر نشانه‌ها و نماد هویت‌ساز رستم اشاره کند (مجلسی، ۱۳۹۷: ۶۷). البته در فرهنگ نمادها نیز نماد نیروی خشونت‌بار و در هند نماد قدرت و دانش است (شجاعی، ۱۳۹۹: ۳۰۰).

شناسایی و تحلیل نمادهای تصویری مفهوم پاکی در نگاره گذشتن سیاوش از آتش (مجلس ۹)

متجاوزان به کیان ایرانی و بازگوکننده آرمان‌های ملت ایران است که در میان دو دسته فره باطنی و مادی شاهنامه، جلوه مادی فره در قالب اشیا نمادین همراه وی آمده تا بر دیوان و دشمنان غلبه کند (پرنیان و بهمنی، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۹۱).

لباس ببر بیان

لباس ببر بیان یا پلنگینه پوست یکی از جلوه‌های مادی فره پهلوانی رستم از چرم پلنگ یا ببر بوده که شاخصه‌های منحصر به فردی داشته و روی جامه رزمی ضخیم از آهن به نام گبر پوشیده می‌شده است، به همین دلیل عموماً نگارگران در تصویرسازی معرفی رستم از آن استفاده می‌کردند. رویین تن شدن (نه می‌سوزد و نه خیس می‌شود...) و پیروزی رستم در نبردها به واسطه همین لباس که در میدان رزم بر تن می‌کرده به وقوع می‌پیوست (مجلسی، ۱۳۹۷: ۶۸).

فیل

فیل موصوف به تکبر در معنای لغوی و به معنی سستی در اندیشه و خطا رفتن اندیشه واحد است و به عنوان ابزار جنگ در نبرد سپاه داریوش سوم با گوگمل ظاهر شدند.

نگاره گذشتن سیاوش از آتش (تصویر ۲) به واسطه تصویرگری سیاوش، آتش، رنگ سبز و رنگ سفید حامل مفهوم پاکی است.

سیاوش

سیاوش که در شاهنامه بارها به ماه تشبیه شده در میان شاهان از خوبی کردار و خردمندی بی‌نظیر است (میرعابدینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲۹) فراتر از ایزد نباتی اسطوره‌ای که حیات و ممات را با خود همراه می‌سازد، در شاهنامه نمادی از پاکی و آزادی همچنین بی‌گناهی در برابر دسیسه‌های اهریمنی سودابه همسر کاووس است که سوار بر اسب شبرنگ کافور بر خود افشاند به سلامت از بستر آتش عبور می‌کند (پرنیان و بهمنی، ۱۳۹۱: ۱۱۰-۹۱).

آتش

آتش مظهري از اهورامزداست؛ از این‌رو، در آزمایش و داوری‌های بزرگ حق را از باطل و راست را از دروغ جدا می‌سازد و گزندی از آتش به پاکی نمی‌رسد و به سلامت از آن می‌گذرد (اسلامی، ۱۳۹۹: ۱۱۰). آتش نیز همچون آب دو شاخصه متفاوت دارد؛ به رغم این‌که می‌تواند بسوزاند و تحلیل ببرد نماد تزکیه و پالایش نیز هست با این فرق که آتش نماز تطهیر از طریق فهم بوده تا به اعلی‌ترین شکل معنوی خود یعنی نماد نور و حقیقت برسد (شوالیه و گربران، ۱۳۹۸: ۴۸). بنا به گفته پرنیان و بهمنی، آتش و نور طلایی از منظر شهودی تجسم عالم خیال از جنس نور و نماد تطهیر و دیانت ایرانی است که گذر سلامت از آن نشان و اثبات بی‌گناهی است، چراکه تنها گناهکاران در آتش پاک می‌سوزند. از این‌رو، سربلندی در آزمون آتش که به زبان پهلوی ورگرم یا وراثش خوانده می‌شد از دیگر نشانه‌ها و نمادهایی قلمداد می‌شود که مفهوم دینداری و بی‌گناهی را در شاهنامه در خود نهان داشته و به تصویر می‌کشد (پرنیان و بهمنی، ۱۳۹۱، ۱۱۰-۹۱).

رنگ سبز

توجه به رنگ و نحوه کاربرد آن در شاهنامه بسیار قابل‌تأمل است و بسیاری از روان‌شناسان به کمک رنگ‌ها به بازشناسی شخصیت افراد می‌پردازند. البته رنگ‌های استفاده‌شده در شاهنامه محدود هستند، چراکه شناخت مردمان گذشته از تفاوت و تنوع رنگ محدود بوده و رنگ‌های نزدیک به هم را یکی می‌دانستند. در اسطوره نیز رنگ جایگاه ویژه‌ای دارد، به عنوان مثال، رنگ اسب متناسب با شخصیت سوار بوده و یا اسب سیاه‌رنگ پادشاهان نشان از قدرت آن‌ها دارد و یا حتی رنگ تن‌پوش شخصیت‌ها بیان‌کننده حالت درونی آن‌هاست (اسلامی، ۱۳۹۹: ۷۱). در هر حال، از دیرباز رنگ در اندیشه ایرانیان



تصویر ۷. به تخت نشستن لهراسپ، مجلس ۲۴، مأخذ: همان.

عنصری رمزآلود و نمادین بوده و کاربرد فراوان داشته است. از دیدگاه روان‌شناسی، رنگ سبز نشانه ثبات و پایداری در برابر تغییرات همچون استقلال، حفاظت و تغییرناپذیری بوده و شخصی که این رنگ لباس را بر تن دارد قصد انجام کارهای مهم می‌کند تا جایی که حتی فعالیت‌های مربوط به دفاع نیز با رنگ سبز نشان داده می‌شود. در عرفان نیز رنگ سبز نماد اتحاد با خداوند و پرهیز از تکبر بوده و استفاده از رنگ سبز و توصیف لباس بهشتیان، موجبات تقدس این رنگ را فراهم کرده است (همان، ۹۹).

رنگ سفید

سفید (سپید) نمونه بارز رنگی مثبت، نورانی و مهیج؛ همچنین به عنوان نماد جوانی، عفت، پاکی، بی‌گناهی، خلوص و صلح به شمار می‌آید. از آنجاکه پوشیدن لباس سپید تداعی‌گر حالت روحانی، دلگشا و مفرح است، لباس

بندم (میرعابدینی و صدیقیان، ۱۳۸۶: ۲۲۳). صاحب فره ایزدی لقبش آزادمرد است. از لحاظ معنوی با مردم مملکت خویش روش پسندیده داشت و یاران خویش را تفقد بسیار می‌کرد، به عبارتی با دشمنان سختگیر و با رعایا مهربان بود. همچنین به آبادانی کشور علاقه بسیار داشت (همان، ۲۲۹).

درخت سرو

سرو درختی همیشه سبز که تا حدودی هم جنبه مذهبی دارد و گویا زمین را به آسمان و به خود خورشید منتهی می‌سازد، چراکه در آیین میترا درخت سرو درخت خورشید نما تلقی و در دوره‌های مختلف ایران باستان تا ایران اسلامی در آثار دیده می‌شود. در صفویه تجسم رمزی و جاودانگی درخت جایگاه بالاتری می‌یابد و نماد فرمانروایی و قدرت مطلق شاهان می‌شود، چراکه فردوسی می‌گوید زرتشت درخت سرو را از بهشت آورده است (شجاعی، ۱۳۹۹: ۲۱۰). «بدیسان به حکم قدرتش و آنچه که متجلی می‌سازد موضوع مذهبی می‌شود» (واحدوست، ۱۳۸۷: ۳۴۵).

درخت چنار

درختی با برگ‌های پهن و پنجه‌ای بسیار پرشاخ و برگ و سایه‌گستر همچنین بی میوه که در ایران قدیم مظهر غنا، باروری، سرسبزی، برکت و نعمت خدایان بوده است. در آسیای صغیر دو درخت چنار و تاک زرین به داریوش کبیر هدیه دادند که بعدها اغلب آن را در اتاق شاه می‌گذاشتند. بنابراین، چنار مظهر شاه و تاک مظهر همسر او گردید. همچنین، مردم معتقدند که چنار شاه درخت‌ها و چنار کهن موجب برکت بوده و در فرهنگ ایرانی نماد شکوه و تعلیم نیز به حساب می‌آید (شجاعی، ۱۳۹۹: ۱۳۴). همچون چنار سربلند و پایدار در برابر ناگواری و رویدادها، در ایران باستان نیز شاه مظهر و نماد انسانی حاصلخیزی و برکت بخش آسمان بوده و تمام این شاخصه‌ها بستر اجرای عدالت‌گستر پادشاه به شمار خواهد آمد (علی پور و شیخ‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۵-۵).

شناسایی و تحلیل نمادهای تصویری مفهوم خردورزی در نگاره کشته شدن اژدها به دست اسفندیار (مجلس ۲۷)

فردوسی حدود هزار سال قبل توانست با پیوند بین معنویت و خرد و برقراری معنویت‌گرایی و خردمندی عصر باز زایی فرهنگی ایرانیان را رقم بزند و خردورزی و دینداری را اساس فرهنگ و هویت ایرانی قرار دهد (خسروی و موسوی، ۱۳۸۷: ۱۲۸-۹۹). اسفندیار، اژدها و ارایه اسب در نگاره کشته شدن اژدها به دست اسفندیار (تصویر ۴) نشانه و نمادهای تصویری خردورزی هستند.



تصویر ۸. کشته شدن اژدها به دست اسفندیار، مجلس ۲۷، مأخذ: همان.

سیاوش نماد صلح، پاکی، قداست و سمبل خلوص است (شجاعی، ۱۳۹۹: ۲۱۱).

شناسایی و تحلیل نمادهای تصویری مفهوم عدالت در نگاره به تخت نشستن لهراسپ (مجلس ۲۴)
مفهوم عدالت در نگاره به تخت نشستن لهراسپ (تصویر ۳) به واسطه نمادهایی همچون لهراسپ با لباس سفید، درخت سرو و درخت چنار مصور شده است.

لهراسپ با لباس سفید

پادشاه یا پهلوان نماد مرکزیت قدرت سیاسی مردم و مظهر جنبه‌های حقانی پویا و مردمی‌اند (علی پور و شیخ‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۵-۵) و لباس سفیدش نماد شادی صلح پاکی بزرگواری و خدمتگزاری است (شجاعی، ۱۳۹۹: ۲۱۱). هنگامی که کیخسرو دست از پادشاهی برکشید، لهراسپ به تخت طلای مرصع پادشاهی نشست و به دیگر سران سپاه همچون رستم و طوس گفت بر آنم که نصایح خسرو کار

اسفندیار

اسفندیار به معنای آفریده خرد پاک (هینلز، ۱۴۰۱: ۱۲۵)، «از جمله چهره‌ها و خویش‌کاری‌های چندگانه خرد» (مسکوب، ۱۳۸۷: ۱۷۴)، در خوان سوم برای غلبه بر اژدهایی که از دهانش آتش برون می‌آید و تنش خار دارد، چاره‌ای می‌اندیشد و از نجاران می‌خواهد تا گردونه‌ای مجهز به تیغه‌های آهنی برآمده بسازند که بنا بر نظر واحد دوست به عنوان ابزار نبرد، هماره نشان از جنگاوری و دلاوری همچنین مؤلفه‌های خردمندی دارد (واحد دوست، ۱۳۸۷: ۴۰۹). خود اسفندیار نیز پنهان در صندوقی روی گردونه همراه با دو اسب قوی نزدیک اژدها شده و توسط آن بلعیده می‌شود. در این زمان اسفندیار از صندوق بیرون آمده و شکم اژدها را می‌برد و با آغشته شدن تنش به زهر اژدها روین‌تن می‌شود (میرعابدینی و صدیقیان، ۱۳۸۶: ۳۲۶). بنا بر اشاره سلیمی او نوه لهراسپ، پسر گشتاسب پادشاه کیانی، صاحب فره پهلوانی، تنها شاهزاده‌ی پهلوان روین‌تن است که برای آزادی خواهران خود از اسارت ارجاسب باید با خردمندی هفت‌خوان را پشت سر بگذارد تا به روین دژ برسد. از این رو، در خوان سوم اژدهای مخوف را از بین می‌برد (سلیمی، ۱۳۹۸: ۸۹-۸۸).

اژدها

مار در نمادشناسی ایرانی نماد تباهی و مرگ و اهریمن است و ریشه لغوی کلمه اشاره به مرگ، مردن دارد (اسلامی، ۱۳۹۹: ۸۹). شجاعی تأکید دارد که اژدها از جمله نمادهای تلفیقی در نگارگری ایرانی مار بزرگ افسانه‌ای به شکل سوسماری عظیم با بال‌های بزرگ شبیه پر بوده که از دهانش آتش بیرون آمده و دم‌درازی همچون مار داشته است. به غیر از فرهنگ کشورهای شرق و جنوب شرق آسیا که حیوانی مقدس است، نماد پلیدی و مظهر شرارت همچنین دیو خشکسالی و تاریکی و در اساطیر ایران با اژدی دهاک به معنای ضحاک هم‌ریشه و از نخستین یاران اهریمن به شمار می‌آید. نبرد با اژدها نبرد میان خیر و شر و درخور مردان بزرگ و پهلوانانی با موهبت مینوی است که با کشتن آن روین‌تن می‌شوند؛ اما کشتن چنین هیولای هول‌انگیزی تنها به نیروی بازوان ممکن نخواهد بود و پهلوانی دانا، هوشمند و خردمند را سزاوار است که درخور چنین نبرد سهمگینی سلاحی بسازد (شجاعی، ۱۳۹۹: ۴۲-۴۰). از دیدگاه علی‌پور و شیخ‌زاده نیز نبرد قهرمان با حیوان نماد تلاش قهرمان برای غلبه بر وجه غریزی و حیوانی خود است که نوعی خردمندی محسوب می‌گردد. چراکه «در آزمون‌های اسطوره‌ای هفت‌خوان خرد دانایی در کنار قدرت و توانایی بدنی سنجیده می‌شود و پهلوان در شاهنامه آزمون‌های سخت را از سر می‌گذارد تا از نادانی و بی‌خردی رها

شود و خردمند و فهمیده از معرکه بیرون آید» (علی‌پور و شیخ‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۵-۵).

ارابه اسب

اسب یکی از حیواناتی است که بیشترین حوزه تصویر را در شاهنامه به خود اختصاص داده و از آنجاکه از دوران کهن برای کارهایی همچون مسابقه، چوگان‌بازی، عملیات جنگی و نظامی تربیت می‌شده، از همان آغاز نماد هوشیاری و فراست بوده و در متون کهن ایرانی هم ایزدان و هم اهریمن در کالبد اسب ظهور داشتند (شجاعی، ۱۳۹۹: ۴۴-۴۳). همچنین، با توجه به رنگ حیوان دو جنبه الهی و اهریمنی برای اسب قائل بودند مثلاً رنگ سفید را نشانه روشنی، پاکی و رنگ اهورایی می‌دانستند و از این رو حضور اسب خردمند اسفندیار در نبرد با نیروهای شیطانی درونی و بیرونی حکایت از همکاری خرد اسطوره دارد (علی‌پور و شیخ‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۵-۵). از نظر نمادگرایی کلی ارابه شبیه گردونه است (شوالیه و گریبان، ۱۳۹۸: ۶۸) و به علت تقدس اسب در گذشته و باورهای قدیمی خدایان مهم همچون آناهیتا بر گردونه‌های چهار اسب سوارند (مجلسی، ۱۳۹۷: ۶۴). بنا به گفته شوالیه نیز روانکاو اسب را نماد روان ناخودآگاه می‌دانند. اسب سفید آسمانی نشانه غریزه مهارشده و مطیع است و در مقابل اسب سیاه، مسیر جهنمی را دنبال می‌کند. استفاده از آهن به عنوان ابزار نبرد نیز هماره نشان از چیرگی و جنگاوری و دلاوری از مؤلفه‌های خردمندی است (واحد دوست، ۱۳۸۷: ۴۰۹). باین وجود، گاهی موجب خیر و گاهی موجب شر است چراکه مرکوب و مظلوف بوده و سرنوشتش از سرنوشت راکب جدا نیست (شوالیه و گریبان، ۱۳۹۸: ۹۴).

اسلامی بر این باور است که داستان‌های شاهنامه با ساختار اپیزودیک، یعنی کم‌وبیش مستقل، بر حول محوری مشخص دارای مشترکات هستند. مثلاً اگرچه داستان‌های مرتبط با رستم ظاهراً از هم جداست اما همگی جلوه‌ها و ویژگی‌های از شخصیت رستم را به تصویر می‌کشند. بنابراین شناخت نمادها با ماهیت سیال و شکل‌پذیر که در شرایط زمانی و مکانی متفاوت می‌توانند مفاهیم را به مخاطب منتقل سازند، باعث شناخت و درک عمیق‌تر داستان‌های شاهنامه و در نتیجه شناخت آداب و رسوم شناخته‌نشده می‌شوند (اسلامی، ۱۳۹۹: ۱۹). بعد از معرفی و تحلیل نمادهای آشکار و نهان مرتبط با مفاهیم ملیت ایرانی، پاکی، عدالت و خردورزی در نگاره‌های منتخب؛ همچنین دستیابی به شناخت و درک عمیق‌تر نگاره‌ها می‌توان اذعان داشت که در میان نگاره‌های موجود در شاهنامه مورد اشاره و بر اساس شاخصه‌های مرتبط همچون عناوین، مضامین مجالس مصور و نمادهای بصری، ملیت ایرانی پرتکرارترین مفهوم به نمایش درآمده و مفاهیم عدالت و پاکی کمترین نگاره را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۳. شناسایی فراوانی چهار مفهوم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و پاکی بر اساس عنوان و مضمون نگاره، مأخذ: همان.

دسته‌بندی مجالس مصور بر اساس عناوین، مضامین و نمادهای بصری نگاره‌ها							
ملیت ایرانی		خردمندی		عدالت		پاکی	
شماره مجالس	فراوانی	شماره مجالس	فراوانی	شماره مجالس	فراوانی	شماره مجالس	فراوانی
۱۳-۴-۲ -۱۵-۱۴ -۲-۱۸-۱۶ -۲۶-۲۲-۲۱ -۳۹-۳۱-۳۰ ۴۳	۱۵	-۲۳-۱۷-۶-۱ -۳۷-۳۶-۲۷ ۴۱	۸	۲۵-۲۴	۲	۱۲-۹	۲

نتیجه

اهمیت شاهنامه در پژوهشهای فرهنگی و هنری به اشکال مختلف، از جمله تأثیر شگرف آن بر نگارگری، غیرقابل انکار است. فردوسی به دلیل پیوند ناگسستنی اسطوره و نماد در متون حماسی خود، خوانش رمزگشایانه تصویری را تسهیل می‌کند. از این رو، شناخت هرچه بیشتر مفاهیم نمادین اصلی در حماسه فردوسی با مضمون اسطوره‌های در نگاره‌های دوره‌های مختلف، به منظور درک تحولات فرهنگی و هنری اعصار گوناگون، امری ضروری است؛ زیرا همان‌طور که فردوسی در سرودن حماسه خود از تاریخ اساطیری پیش از اسلام بهره برده است، نگارگران نیز به پیروی از او از همان منابع غنی بهره گرفته و به تصویرگری پرداخته‌اند. با توجه به پژوهش انجام‌شده روی چهل‌وسه نگاره نسخه شاهنامه موسوم به میرزا صالح و ارزیابی مضمونی آن، همچنین تحلیل نمادشناسانه چهار نگاره منتخب از منظر پیرس، میتوان اذعان کرد که این چهار نگاره بیشترین نمادهای تصویری مرتبط با مفاهیم ملیت ایرانی، خردمندی، عدالت و دین‌ورزی را در خود جای داده‌اند. این نگاره‌ها و نمادهای مربوط به هر مفهوم به شرح زیر هستند: نمادهای تصویری مفهوم خردورزی در نگاره کشته شدن اژدها به دست اسفندیار شامل اسفندیار، اژدها کشتی و ساخت ارا به اسب است. نمادهای تصویری مفهوم عدالت در نگاره به تخت نشستن لهراسپ شامل لهراسپ بالباس سفید، درخت چنار و درخت سرو است. نمادهای تصویری مفهوم پاکی در نگاره گذشتن سیاوش از آتش شامل سیاوش، رنگ سبز، رنگ سفید و گذر سلامت از آتش است. نمادهای تصویری مفهوم ملیت ایرانی در نگاره گرفتار شدن خاقان چین به دست رستم شامل رستم، لباس ببریان، گرز گاو سر و سرنگون شدن از فیل است. همچنین، مفهوم ملیت ایرانی در میان ۴۳ نگاره بررسی شده، بیشترین فراوانی تصویر را به خود اختصاص داده است.

منابع و مأخذ

آژند، یعقوب (۱۳۸۵). مکتب نگارگری اصفهان. چاپ اول، تهران: نشر فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
آژند، یعقوب (۱۳۸۷). مکتب نگارگری شیراز. چاپ اول، تهران: نشر فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران.
اسماعیل پورمطلق، ابوالقاسم؛ اولاد، فروغ (۱۳۹۷). اسطوره و نماد در هنر و ادبیات هنر. چاپ اول. تهران: نشر چشمه.

اسلامی، نرگس (۱۳۹۹). نماد و رمز در شاهنامه فردوسی بر اساس دفتر اول و دوم. چاپ اول. تهران: نشر دانش پژوهان شریف یار.

پاکبان، رویین (۱۳۸۰). نقاشی ایران از دیرباز تا امروز. چاپ اول، تهران: نشر زرین و سیمین.
پرنیان، موسی؛ بهمنی، شهرزاد (۱۳۹۱). بررسی و تحلیل نمادهای بخش اساطیری شاهنامه. متنشناسی ادب فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، سال چهارم، شماره اول، صص ۹۱-۱۱۰.
تجویدی، اکبر (۱۳۷۵). نگاهی به هنر نقاشی ایران (از آغاز تا قرن دهم هجری). تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

جعفری، سیدسجاد؛ اکبری، محمد (۱۴۰۱). نشان‌شناسی نمادهای مذهبی در فلزکاری دوره صفوی. نشریه علم و تمدن در اسلام، شماره دوازدهم، صص ۴۹-۷۲.
جوانی، اصغر (۱۳۹۰). بنیانهای مکتب نقاشی اصفهان. چاپ دوم. تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.
خسروی، اشرف؛ موسوی، سیدکاظم (۱۳۸۷). خردورزی و دین‌داری اساس هویت ایرانی در شاهنامه. فصلنامه علمی پژوهشی کاوش نامه، ۹ سال نهم، شماره شانزده، صص ۹۹-۱۲۸.
رضوی فر، املی (۱۳۹۰). نشان‌شناسی پیرس در پرتو فلسفه. فصلنامه فلسفه و کلام، سال سی و نهم، شماره دوم، صص ۵-۳۶.

سجودی، فرزانه (۱۳۹۷). نشان‌شناسی کاربردی (ویرایش دوم). تهران: نشر علم.
سلیمی، مهسا (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل اژدها در اسطوره، حماسه و عرفان اوستا، شاهنامه و گرشاسپ نامه. چاپ اول. تهران: نشر آذین مهر.
شجاعی، حیدر (۱۳۹۹). فرهنگ مصور شمایل نمادین اساطیر ایران و جهان. چاپ اول. تهران: نشر شهر پدram.

شریفزاده، سید عبدالمجید (۱۳۷۰). نامورنامه. تهران: نشر معاونت پژوهشی میراث فرهنگی.
شمیلی، فرنوش (۱۳۸۶). تحلیل عناصر تصویری بر پایهی رویکرد نشان‌شناسی. فصلنامه عالمه، شماره سیزدهم، صص ۹۳-۱۲۰.
شوالیه، شوان؛ گربران، آلن (۱۳۹۸). فرهنگ نمادها (جلد اول). ترجمه سودابه فضائلی، چاپ اول. تهران: نشر کتاب‌سرای نیک.

عصایی، مریم (۱۳۹۰). مقایسه تطبیقی آثار فرهنگ و داورى در شاهنامه داورى و قوام. دانشگاه الزهراء. پایان‌نامه کارشناسی ارشد.

علی پور، رضا؛ شیخزاده، مرجان (۱۳۹۵). نمادشناسی نگاره رستم خفته و نبرد رخس و شیر از منظر خرد و اسطوره، دو فصلنامه دانشکده هنر شوشتر، ۵(۱۰)، صص ۵-۱۵.

-فاطمی مقدم سقی، محمدرضا؛ میرزایی مطلق، فرشاد؛ سپه‌وندی، مسعود (۱۳۹۸). بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت ملی جغرافیایی و فرهنگی در شاهنامه فردوسی با رویکرد به شخصیت رستم. فصلنامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره نهم، صص ۵۰-۷۴.

قاسمیه، سارا؛ بمانیان، محمدرضا؛ ناصحی، ابوزر (۱۳۹۵). بررسی زبان مشترک باغ و نگارگری ایرانی با تأکید بر نقش نمادین درخت سرو. دو فصلنامه پژوهش هنر، شماره یازدهم، صص ۷۵-۸۴.
کاظم پور، مهدی؛ کاشانی ایلخچی، شیوا (۱۴۰۰). مطالعه نقشمایه درفشهای موجود در شاهنامه شاه‌طهماسبی بر مبنای ابزارهای تحلیلی رویکرد نشان‌شناسی. نشریه نگره، شماره پنجاه و نهم، صص ۹۱-۱۰۸.

کزازی، جلال‌الدین (۱۳۹۱). مازهای راز. چاپ چهارم. تهران: نشر مرکز.
مجلسی، امین؛ معقولی، نادیا؛ صحتی، محسن (۱۳۹۷). تحلیل نشانه‌شناسانه طراحی شخصیت در



شاهنامه با تمرکز بر نگاره‌های رزم رستم و سهراب به روش پیرس. مؤسسه آموزش عالی طبری بابل، پایاننامه کارشناسی ارشد.

مسکوب، شاهرخ (۱۳۸۴). ارمغان مور (جستاری در شاهنامه). چاپ دوم. تهران: نشر نی.
میرعابدینی، سیدابوطالب؛ صدیقیان، مهین دخت (۱۳۸۶). فرهنگ اساطیری-حماسی ایران به روایت منابع بعد از اسلام. چاپ اول. تهران: نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
نزاکتی، فرزانه؛ درخشه، جلال (۱۳۹۰). رمزگشایی اسطوره در نظامهای نشانه‌ای. فصلنامه پژوهش فرهنگی، سال دوازدهم، شماره سیزدهم، صص ۱۸۵-۲۰۰.

نظری، مائیس (۱۳۹۰). جهان دوگانه مینیاتور ایرانی. ترجمه عباس علی عزتی، چاپ اول. تهران: چاپ و نشر شاد رنگ

واحد دوست، مهوش (۱۳۸۷). نهادهای اساطیری در شاهنامه فردوسی. چاپ دوم. تهران: نشر سروش.

-نسخه خطی شاهنامه میرزا صالح موجود در کاخ گلستان.

هینلز، جان راسل (۱۴۰۱). اساطیر ایران. ترجمه محمدحسین باجلان فرخی، چاپ هفتم. تهران: نشر اساطیر.

David Crow, 2010: visible signs, AVA Publishing (UK) Ltd, Second edition.

Delaney, C. F. (1992). [Review of Peirce on Signs: Writings on Semiotic by Charles Sanders Peirce; Peirce and Law: Issues in Pragmatism, Legal Realism and Semiotics, by J. Hoopes & R. Kevelson]. Religion & Literature, 24(2), 73-75.

<http://www.jstor.org/stable/40059516>

<https://www.irna.ir> ۸۴۵۰۳۱۰۸ کد خبر ۲۱ مهر ۱۴۰۰، خبرگزاری جمهوری اسلامی،

Symbolic Analysis of Mirzasaleh's Shahnameh Illustrations based on Concepts of «Iranian Nationality, Wisdom, Justice and Chastity» from Peirce's Point of View

Seyyede Maryam Miri, Assistant Professor, Art Department, Mofateh University, Tehran, Iran.

Hossein Ardalani, Associate Professor, Department of Philosophy of Art, Hamedan Branch, Islamic Azad University, Hamedan, Iran.

Received: 2023/09/28 Accepted: 2023/12/20



In ancient Iranian culture, in accordance with the social, political and economic conditions, a group of painters has devoted themselves to the Shahnameh writing and illustrating it in order to elevate the rich literature of this land and region. Tender and full of mystery, Iranian paintings will need to be interpreted and deciphered; regarding the **problem statement**, one of these cases is the Shahnameh known as Mirzasaleh in the library of Golestan Palace, which was unveiled in 1400. The **purpose** of this basic research is to introduce Mirzasaleh's Shahnameh, to know the pictorial symbols of the concepts of Iranian nationality, wisdom, justice and chastity in the four selected illustrations of Mizrasaleh's Shahnameh. The 1st **question** is: with what symbols and how are the four main concepts of Iranian nationality, wisdom, justice, and chastity represented in the selected paintings in the manner of the Isfahan school? Also, 2nd: which of the concepts of Iranian nationality, wisdom, justice and chastity are depicted the most in Mirzasaleh's Shahnameh? The **research method** is descriptive, analytical, and qualitative, and the method of collecting documentary information is also based on Peirce's symbology approach. The fundamental research methodology leading to the discovery of facts and reality with the aim of expanding knowledge is descriptive-analytical and the information is collected in a documentary way. It is worth mentioning that, despite the availability of a total of 43 images, due to the limitations of the article structure as well as the magazine's writing instructions, only one image was selected for each concept, which, in addition to having a rich visual structure, is maximally related to each of the concepts of research and useful in better understanding the content of tables and analyses. The scope of the statistical population of this research is a total of 43 illustrations of Mirzasaleh's Shahnameh, which were analyzed qualitatively based on related indicators such as the titles and themes of illustrated assemblies, and in some cases quantitative methods were used to show the distribution method, as well as 4 illustrations related to the main purpose of the research. Although this version does not have a writing date, it was written and arranged in the Safavid era, the 11th century, by recognizing the calligrapher Mirzasaleh's style and by examining the style. But, it was re-bound and bound in the year 1329 under the seal of the government library in Qajar Iran.



Negareh

Considering the manifestation of various intellectual foundations, such as worshiping Yazdan, honoring wisdom, scientific excellence, kindness, etc. in the Shahnameh of Javadan Ferdowsi, this work is full of wisdom and lessons. In this research, despite the fact that other axes can be designed, only four of the concepts of this valuable document of Iranian culture and civilization, which have the most thematic and central connections with illustrations, have been examined. Mirzasaleh's Shahnameh has to paid attention to. Therefore, the concepts of Iranian nationality, wisdom, justice and purity have been selected based on the author's inductive investigation in Ferdowsi's Shahnameh itself and inferences from other researches; the most important of which have been mentioned in the background of the research. It has been identified in a non-probabilistic way and analyzed with Peirce's semiotic approach. The continuous coexistence of Iranian painting with foreign Eastern and Western cultures and traditions in various historical periods, which has led to its implicit and objective influence, doubles the importance and necessity of research. For this reason, it can be acknowledged that due to the importance of knowing the culture of the past, examining the impact of the art of other countries and the lack of substantiated sources, paying attention to unknown cultural-artistic versions such as Mirzasaleh can always be a solution; because Ferdowsi's Shahnameh has been represented in a special period with beauty and delicacy, thoughtful adaptations and new innovations, and its analysis can potentially provide a platform for the analysis and interpretation of obvious and hidden symbols, as well as the reception of secret content. Also, exploring and finding visual symbols in line with Ferdowsi's rich, national and cultural discourse in Mirzasaleh's Shahnameh can help explain as much as possible the hidden concepts in the background of Iranian Islamic civilization. The **results** of this study indicate that the four concepts mentioned in the form of symbolic characters such as Siavash, mythical creatures of myths such as dragons, symbolic elements such as color and symbolic tools of myths beyond the apparent meaning are illustrated based on the cultural conventions of ancient Iran and have the most semantic connection. It can also be acknowledged that among the review of the total of 43 images of Mirzasaleh's Shahnameh along with the analysis of 4 images in the body of the article, Iranian nationality is the most frequently displayed concept, and the concepts of justice and chastity have the least number of images.

Keywords: Mirzasaleh's Shahnameh, Nationality, Wisdom, Justice, Chastity, Golestan Palace, Isfahan Illustrating School

References:

- Agend, Yaqoob (1385). Isfahan Painting School. First edition, Tehran: Publishing House of the Islamic Republic of Iran. - Agend, Yaqoob (1387). Shiraz Painting School. First edition, Tehran: Publishing House of the Islamic Republic of Iran. - Alipour, Reza; Sheikhzadeh, Marjan (2015). "Symbology of Rostam Khefte and Nabard Rakhesh Vashir from the Perspective of Mythology", Shoushter Faculty of Arts bi-monthly, 5(10), pp. 5-15.
- Crow, David. (2010). Visible Signs, AVA Publishing (UK) Ltd, Second edition. - Delaney, C. F. (1992). [Review of Peirce on Signs: Writings on Semiotics by Charles Sanders Peirce; Peirce and Law: Issues in Pragmatism, Legal Realism and Semiotics, by J. Hoopes.
- Essai, Maryam (2013). A Comparative Comparison of the Works of Culture and Judgment in Shahnameh Davari Va Qwam. Al-Zahra University. Master's Thesis.
- Fatemi Moghadam Sagh, Mohammad Reza; Mirzaei Mutlaq, Farshad; Sepeh Vandi, Masoud (2018). "Investigating and Analyzing the Components of National Geographical and Cultural Identity in Ferdowsi's Shahnameh with an Approach to Rostam's Personality". Scientific Quarterly Journal of Comparative Literature, 3rd year, 9th issue, pp. 50-74. - Hinels, John Russell (1401). Iranian Mythology.



Negareh

Translated by Mohammad Hossein Bajlan Farrokhi, 7th edition. Tehran: Neshrasatir. -Islami, Narges (2019). The Symbol of Vermoz in Ferdowsi's Shahnameh based on the First and Second Books. First Edition. Tehran: Pajohan Sharif Yar publishing house.

Islamic Republic News Agency (<https://www.ima.ir>), 21 Mehr 1400, news code 84503108

Ismail Pourmutlaq, Abolqasem; Olad, Forough (2017). Myth and Symbol in Art and Art Literature. First Edition. Tehran: Esharcheshme.

Jaafari, Seyedsajad; Akbari, Muhammad (1401). "Semiotics of Religious Symbols in Safavid Metalwork". Journal of Science and Civilization in Islam, number 12, pp. 49-72. - Jovani, Asghar (1390).

Foundations of Isfahan Painting School. Second Edition. Tehran: Art Academy Publications. -Kazazi,

Jalaluddin (1391). Secret Mazes, Fourth edition. Tehran: Nashmarqas. - Kazempour, Mehdi; Kashani

Ilkhchi, Shiva (1400). "Studying the Role of the Motifs in the Shahnameh of Shah Tahmasabi based on the Analytical Tools of the Semiotics Approach". Negareh Journal, fifty-ninth issue, pp. 108-91. - Khosravi,

Ashraf; Mousavi, Seyed Kazem (1387). "Wisdom and Religion Are the Basis of Iranian Identity in Shahnameh". Kaush Nameh Scientific Research Quarterly, 9th year, 16th issue, pp. 128-99. - Majlesi,

Amin; Moghouli, Nadia; Sahti, Majsen (2017). «Semiotic Analysis of Character Design in Shahnameh,

Focusing on the Images of Rostam and Sohrab's Battles, According to Peirce's Method. Tabari Institute of Higher Education, Babol, Master's thesis. - Manuscript of Shahnameh of Mirza Saleh in Golestan

Palace. - Mir Abdini, Sida Butaleb; Sadiqian, Mohin Dekht (2006). Mythological-epic Culture of Iran according to Post-Islamic Sources. First Edition. Tehran: Publication of Research Institute of Humanities

and Cultural Studies. - Moskob, Shahruxh (1384). Armaghan Mor (Search in Shahnameh). Second

edition. Tehran: Nashrani. - Nazakti, Farzaneh; Derakhsheh, Jalal (2018). "Decoding the Myth in Sign Systems". Cultural Research Quarterly, 12th year, 13th issue, pp. 185-200. - Nazarli, Mais (2018). The

Dual World of Iranian Miniatures. Translated by Abbas Ali Ezzati, First edition. Tehran: Shadrang Publishing. -Pakbaz, Rouyin (2010). Iranian Painting from Ancient Times to Today. 1st edition, Tehran:

Nesharzarin and Vasimin. - Pernian, Musa; Bahmani, Shahrazad (1391). "Investigation and Analysis of the Symbols of the Mythological Part of the Shahnameh". Textology of Persian Literature, Faculty of

Literature and Human Sciences, University of Isfahan, 4th year, 1st issue, pp. 110-91. - Qasimieh, Sara;

Bamanian, Mohammadreza; Nashi, Abuzar (2015). "Examining the Common Language of the Garden and Iranian Painting with an Emphasis on the Symbolic Role of the Cedar Tree". Bi-Quarterly Journal of

Art Research, No. 11, pp. 84-75. - Razavifar, Emli (2018). "Peirce's Semiotics in the Light of Philosophy".

Philosophy and Kalam Quarterly, 39th year, 2nd issue, pp. 5-36. -Salimi, Mahsa (2018). Investigation and Analysis of Dragons in Mythology, Epic and Mysticism of Avesta, Shahnameh and Gershaspnameh.

First Edition. Tehran: Azin Mehr Publishing House. - Shamili, Farnoosh (1386). "Analysis of Image Elements based on Semiotics Approach". Alameh Quarterly, No. 13, pp. 93-120. - Sharifzadeh, Seyyed

Abdul Majeed (1370). The Letter, Tehran: Cultural Heritage Research Subsidiary Publication.

Shavaliel, Shawan; Gerbran, Alan (2018). Culture of Symbols (First volume). Translated by Sudaba Fadaeli, First edition. Tehran: Sarai Nik Publishing House.

Shojaei, Haider (2019). Illustrated Culture of Symbolic Images of Iranian Mythology and the World. First Edition. Tehran: Nashahrpadram Publishing House. - Sojodi, Farzan (2017). Applied Semiotics (Second

edition). Tehran: Nashralam.

Tajvedi, Akbar (1375). A look at Iranian Art Painting (from the Beginning of the 10th Hijri Period). Tehran: Publishing House of Islamic Culture and Education.

Vaheddoost, Mahosh (2007). Mythological Institutions in Ferdowsi's Shahnameh. Second edition. Tehran: Nashrosh.